

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
تهران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

۱۳، ۱۲ «

www.Fdn.ir 10 | No. 2774 | 16 Pages

راز تصویب برجام

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد














آمریکا) و متن توافق نهایی، مهم‌ترین جزء فرامتنی برنامه است. پیرش مرکزی این است که آیا آیت‌الله خامنه‌ای مذاکرات هسته‌ای را که به برنامه منتهی شد راه صحیح و مفیدی می‌دانستند؟ و اگر این چنین نبود، چرا اجازه مذاکرات و اجرای برنامه را صادر کردند؟ مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، از فروردین سال ۹۱ به صورت محرمانه و از اواسط سال ۹۲ در دولت روحانی به صورت علنی پیگیری شده است؛ آیت‌الله خامنه‌ای از همان سال ۹۱ و در بیش از ۱۰ سخنرانی صراحتاً تأکید کرده‌اند که به این مذاکرات خوش بین نیستند. ایشان دلایل متعددی را برای عدم خوش‌بینی خود به مذاکرات بیان و صراحتاً پیش‌بینی می‌کنند که اولاً دشمن نمی‌خواهد حتی همین موضوع هسته‌ای حل شود (برای نمونه رجوع کنید به سخنرانی‌های ۲۸ بهمن ۹۱ و ۱۹ بهمن ۹۱)، ثانیاً حتی اگر «بر فرض محال» مسأله هسته‌ای حل شد، آمریکا بازمه موضوعات دیگری مانند بحث موشکی، منطقه‌ای، حقوق بشر و... را پیش می‌کشد (۱۲ آبان ۹۸، ۲۸ بهمن ۹۲ و ۱۶ تیر ۹۳)، ثالثاً اگرچه توافق هم بکند، وعده‌هایش را نقض می‌کند (۱۹ بهمن ۹۱)، رابعاً مذاکره با آمریکا به راه را برای طرح توقعات جدید از سوی آنها فراهم و، رفتار آنها را تندتر می‌کند (۲۲ مرداد ۹۳) و خامساً مذاکره با آمریکا دولتمردان را از راه صحیح خود [که همان اجرای اقتصاد مقاومتی است] منحرف می‌کند (۱۷ دی ۹۳ و ۱۱ مرداد ۹۵). باین حال آیت‌الله خامنه‌ای مجوز مذاکرات را هم برای دولت احمدی‌نژاد که به‌صورت محرمانه و از طریق علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه وقت پیگیری می‌شد و هم برای دولت روحانی صادر کردند. لذا پرسش مهمی که پیش کشیده می‌شود این است که چرا آیت‌الله خامنه‌ای باین مذاکرات موافقت کرده‌اند؟ کلید پاسخ به این پرسش، توجه به مبانی «مردم‌سالاری دینی» است و تا زمانی که یک درک صحیح از این مفهوم در میان نباشد، از رویکرد و مدیریت آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع برنامه هم رمزگشایی نخواهد شد. در مردم‌سالاری دینی که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نه یک ترکیب تلفیقی از «مردم‌سالاری» و «دین»، بلکه یک مفهوم بسطی به معنای احترام به رای و نظر مردم، آن‌هم برگرفته از خود دین است، درنظر گرفتن «آزاده» و «رای» مردم دست کم یک پایه «مشروعیت» به‌شمار می‌رود: «هیچ کسی در نظام اسلامی نباید مردم، رای مردم و خواست مردم را انکار کند، حالا بعضی، رای مردم را مشروطیت می‌دانند؛ لااقل پایه اعمال مشروعیت است.» (۱۶ مرداد ۷۸، خطبه‌های نمازجمعه تهران در همین سالگرد ازتخال حضرت امام خمینی(ره))

و بر همین مناسبت که رهبر انقلاب غیر از تصریح درباره رزوم احترام به رزوم و نظر مردم، بر ضرورت حمایت از مسئولان منتخب مردم هم تأکید کرده است: «من مردم‌سالاری دینی را صادقانه قبول کرده‌ام، ما واقعا قبول داریم مردم‌سالاری دینی راه هر کسی را که این مردم انتخاب بکنند، ما او را رئیس می‌دانیم، او را مسئول می‌دانیم، کمک به او لازم می‌دانیم و وظیفه خودمان می‌دانیم؛ با همه دولت‌ها اینچنین بوده، بسا این دولت [دولت روحانی] هم همین‌طور است. بنده به همه دولت‌ها کمک کرده‌ام، البته هم در کارهای جزئی اینها دخالت نمی‌کنم، در وظایف ویژه اینها دخالت نمی‌کنم اما کمک‌شان می‌کنم. همه دولت‌ها را بنده کمک کرده‌ام، به این دولت محترم هم همین‌طور، کمک می‌کنم.» (۱۹ دی ۱۳۹۶، بیانات در دیدار مردم قم)

با این حال، تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های لیبرال و غیرلیبرال در توجه و احترام به رای و نظر مردم آن است که مردم‌سالاری دینی نسبت به «غایت» و «سروشنت» انتخاب‌های مردم و مسئولان منتخب آنها بی تفاوت نیست و اساساً نمی‌تواند در «جهت گیری» حکومت به سمت سعادت ساکت باشد. بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای «جهت‌گیری» حکومت به سمت عدالت و سعادت مردم را نیز یک پایه مشروعیت می‌داند. (۵ شهریور ۱۳۹۲، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت) اما مسئله اینجاست که جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند میان «رای و نظر مردم» و «راه درست» جمع کند؟ این موضوع در زمان‌هایی که این دورا منطبق بر یکدیگری می‌پندارد، حل شده است، اما درباره برهه‌های دیگر چگونه است؟ مردم‌سالاری دینی اهمیت و ضرورت ملازمت «خواست و رضایت مردم» و «جهت‌گیری عادلانه حکومت» در راستای سعادت را از طریق برقراری یک «دیاکتیک» میان «خواست مردم» و «حقیقت» می‌پرد. به این معنا که اراده‌ای را بر بدهد که آیت‌الله خامنه‌ای در مشق شرایط نیست، بلکه درصدد است با متقاعد کردن مردم و مسئولان، جامعه را در یک جهت‌گیری صحیح حفظ و از طریق همراه‌سازی و مشارکت مردم، اهداف درست را روی زمین محقق کند. نگاهی به رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع مذاکرات هسته‌ای و برنامه نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای بر همین منوال عمل کرده‌اند؛ یعنی درحالی که بارها نسبت به خود مذاکرات و نتایج آن ابراز عدم خوش‌بینی و نارضایتی داشته‌اند، اما به‌دلیل خواست مردم و ولایت دولت‌ها، آن‌را به محک تجربه گذاشته و در این مسیر تمام توان خود را به کار گرفته تا تجربه‌های این تجربه برای مردم و حکومت ایران به حداقل برسد و نهایتاً منجر به تغییر مسیر دولت و جامعه به سمت راه درست، یعنی پیشرفت درون‌زا شود. آیت‌الله خامنه‌ای چرایی صدور این مجوز را مشخص توضیح داده‌اند. سخنرانی‌های ۱۲ آبان ۱۳۹۲ در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۲۸ و ۲۹ بهمن ۹۲ در دیدار مردم تبریز، حادی نکات بسیار مهمی در این باره است. آیت‌الله خامنه‌ای در این دو دیدار تأکید می‌کنند صدور این مجوز در «پی» «اصرار دولت‌ها» و «برای کسب «تجربه ملت» صورت گرفته است. آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کنند که چه در دولت احمدی‌نژاد و چه در دولت روحانی مسئولان و دولتمردانی فکر می‌کردند اگر در ماجرای هسته‌ای با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم، موضوع حل مردم و مشکلات اقتصادی برطرف می‌شود (۲۸ بهمن ۹۲)، بیانات در دیدار مردم تبریز و نیز تأکید می‌کنند که این مذاکرات برای مردم دینی تجربه‌ای مهم به ارمغان می‌آورد تا کسی تصور نکند که اگر ایران در موضوع هسته‌ای کمی عقب‌نشینی می‌کند، مشکلات حل می‌شد.

ادامه در صفحه ۲